



دکتر محمد مهدی محمودی

مرکز معماری ایران

سلسله مصاحبه‌های معمارانه - مرکز معماری اسلامی

۱۲ آذر ماه ۱۳۹۷

آشنایی با دیدگاه و اندیشه اساتید و معمارانه در حوزه‌ها مختلف معماری

من محمد مهدی محمودی متولد اراک، تحصیلات قبل از دانشگاهی را در ایران گذراندم و تحصیلات دانشگاهی را در رشته معماری در کشور فرانسه بود. در سال ۱۹۸۲ از دانشگاه تولوز با مدرک D.P.L.G فارغ التحصیل شدم و بعد از آنجا به الجزایر رفتم به مدت ۶ سال در شهر اوران و یا وهران اقامت کردم و در دانشکده معماری دانشگاه علوم و فنون شهر اوران تدریس کردم و عضو هیات علمی بوم و سپس در سال ۱۹۸۷ به ژاپن رفتم و در شهر کیوتو دو سال و نیم در دفتر مهندسی مشاور آتوجی طراحی کردم و به عنوان یک معمار و طراح در کنار معمارهای ژاپنی بودم.

سال ۱۳۶۸ به ایران بازگشتم و از همان سال در دانشکده هنرهای زیبا مدرس و عضو هیات علمی گروه معماری شدم تا دو سال پیش یعنی در سال ۱۳۹۴ و مهر آن سال به تقاضای خودم بازنشسته شدم و ۱۵ روز بعد در آن طرف حیاط یعنی دانشکده فنی دعوت به همکاری شدم و هنوز هم انجام هستم، به تدریس ادامه می‌دهم. بعد از بازنشستگی با بعضی از دانشکده‌های معماری دانشگاه‌های شهر تهران مثل تربیت مدرس، پارس و آزاد علوم تحقیقات همکاری دارم.

همزمان و از همان سال ۱۳۶۸ که ایران آمدم یک دفتر طراحی را تشکیل دادم و پروژه‌های مختلف معماری و شهرسازی را برای مملکت انجام دادم. این شانس و اقبال را داشتم که اکثر آن‌ها ساخته شده‌اند.

معمار چیست؟ معمار کیست؟

معماری آن اثری که روی این کره خاکی توسط انسان ساخته می‌شود و حجم پیدا و فضا شکل می‌گیرد و هویت پیدا می‌کند و عملکرد دارد به آن معماری می‌گویند و کسی که این‌ها را خلق می‌کند، معمار است. معمار خالق آن فضا و بناست که باید به غیر از این که احجام بسیار زیبایی باشند باید هویت داشته باشند و به مکان و بسترشان تعلق پیدا کنند و در عین حال کاربری اصولی و منطقی نیز داشته باشند. به همین دلیل سوال می‌شود که معماری علم است یا هنر، من اعتقاد دارم هر دویشان؛ ولی، بستگی دارد به کاربری بنا که می‌تواند قسمت علمی و فنی مهم‌تر و یا در یک بنای دیگر قسمت هنری قوی‌تر باشد.

سطح کیفی نظام آموزشی معماری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در حال حاضر وضع کیفی آموزش معماری خوب نیست؛ ولی، اگر با نگاه مثبت بنییم شاید به یک مرحله بسیار بدی رسیده‌ایم که دیگر همه متوجه شده‌اند که در شرایط خوبی نیستیم و این نگرانی بوجود آمده، به همین دلیل امیدواریم از حالا به بعد بهبود یابد. چرا بد شده؟ چون از نظر کمی بسیار زیاد شده و از نظر کیفی بسیار پایین آمده و در محیط‌های آموزشی بحث‌های تئوری بسیار بالا رفته و بحث‌های علمی کم شده و کسانی که باید مدرس باشند مدرس نیستند. بنابراین آموزش معماری به بیراهه رفته است.

بهترین شیوه آموزش از نظر شما برای نسل جوان معمار، چه روشی است؟

ارتباطات مستقیم دروس تئوری با دروس عملی، ارتباط مستقیم دروس عملی با مباحث معماری گذشته مملکت و هم زمان آشنا شدن با تکنولوژی جهانی امروزه.

امروزه معماری جهانی شده ولی مکانی هم هست. جهانی از این لحاظ که با تکنولوژی آشنا می‌شویم و مکانی است از این لحاظ که فرهنگ گذشته و اقلیم خودمان را باید رعایت کنیم.

میزان تأثیرگذاری مسابقات بر ارتقای سطح کیفی معماری را تشریح کنید؟

وقتی موضوع مسابقات معماری مطرح می‌شود گروه‌های مختلفی از دانشگاهیان و فارغ‌التحصیلان شرکت می‌کنند، لذا صد درصد تأثیر مثبتی در هر دانشکده معماری خواهد گذشت. چون گروه‌های مختلف و فارغ از آن محدودیت‌های دانشکده‌ها شرکت می‌کنند. تأثیر واقعی کاربردی و بیشتری دارند. در کلاس‌ها پروژه‌هایی را با دانشجویان جلو می‌روند که فقط تئوری هستند، در حالی که کم‌کم وقتی که دانشجویان فارغ‌التحصیل می‌شوند باید با واقعیت حرفه‌ای بیرون هم ارتباط برقرار کرده باشند.

مهم‌ترین علت عدم هماهنگی بین فضای آموزش، فضای صنعت ساخت و نیاز جامعه مصرف‌کننده معماری در وضعیت کنونی، چه مواردی می‌تواند باشد؟

با یک نگاه بینیم در رشته‌های دیگر ارتباط مستمرتری بین دانشگاه و صنعت وجود دارد. برای مثال در دانشکده‌های فنی، چه اساتید و چه دانشجویان ارتباط بسیار قوی با صنعت دارند. در دانشکده معماری متأسفانه ارتباطات آموزش و صنعت کاملاً بریده است. امیدوارم دلیلی که من عنوان می‌کنم اشتباه باشد. ولی من باور دارم به دلیل اینکه اکثر اساتیدی که تدریس می‌کنند هیچ‌اشنایی با حرفه ندارند. بنابراین سعی می‌کنند دانشجویان را در همان حال و هوای دانشگاه نگه دارند و تا با محیط کاری و حرفه‌ای آشنا نشوند. یک نگرانی وجود دارد و آن اینکه دانشجویان فارغ‌التحصیل می‌شوند و به محیط کاری می‌روند که هیچ ارتباطی با آموزه‌های تئوری او در درون تحصیل پیدا نکرده، ولی می‌بیند هم رشته‌های دیگر که نزدیک به رشته او هستند مثل رشته عمران، رشته برق، رشته مکانیک، رشته اقتصاد و حتی رشته معدن، آنها قبل از اینکه فارغ‌التحصیل شوند با محیط کاری و حرفه‌ای ارتباط برقرار کرده‌اند.

این نگاهی است که من دارم و امیدوارم اشتباه باشد. ولی در مجموع می‌بینم اساتیدی متأسفانه در دانشکده‌های معماری هستند که هیچ بنایی را نه طراحی و نه ساخته‌اند و این خطر بزرگی برای آموزش معماری می‌باشد.

نظام اجرا و نظام طرح، در ساخت به چه میزان با هم سازگار می‌باشند؟

وقتی که ما معمارها طراحی معماری یک بنا را آغاز می‌کنیم همزمان باید بدانیم که چگونه می‌خواهیم اجرا کنیم و باید فکر کنیم چگونه بهره‌بردار می‌شود. دوران ساخت کوتاه است، شاید یک سال، دو یا سه سال نیاز باشد برای یک پروژه‌ای که ساخته می‌شود. ولی دوران بهره‌برداری بسیار طولانی‌تر است. پس ما معمارها موقعی که طراحی می‌کنیم باید دوران بهره‌برداری و چه کسانی بهره‌بردار استفاده‌کننده هستند را بشناسیم و دوران ساخت را باید با دقت بررسی و پیش‌بینی کنیم و با آن نگاه طراحی را انجام دهیم. اگر این کار شود ساختمان ماندگار و پایدار است.

چرا ساختمان‌های ما عمراتشان کوتاه است؟

چون در زمان طراحی به صورت سنتی فکر می‌کنیم و در موقع اجرا مصالح جدید گیرمان می‌آید با آن مصالح می‌خواهیم اجرا کنیم. در صورتی که در زمان طراحی باید فرم و فیزیک آن مصالح در ذهن ما باشد. دلیل دیگر برای اینکه ارتباط ما با بهره‌بردار قطع است و نمی‌دانیم این بنایی که ما می‌سازیم برای چه افرادی هست، شناخت زیادی از بهره‌برداران نداریم که متأسفانه در معماری معاصر امروز ایران این اتفاق افتاده است. در صورتی که معماران گذشته با جامعه ارتباط بسیار قوی داشتند و می‌دانستند بنایی که می‌خواهند بسازند برای چه کسانی است.

معماری برسبک زندگی، تأثیرگذار است یا تأثیر پذیر؟

معماری آینه جامعه است. جامعه آینه معماری است. هر دو به هم تأثیرگذار و تأثیرپذیرند. در حال حاضر هر دو وضعیت خوبی ندارند. هر دو وضعیت ناگواری دارند. هم جامعه و هم معماران هر دو این وظیفه را دارند که حال خود و دیگری را خوش کنند. حالا بیاییم قسمت حرفه‌ای بینیم، معمار وظیفه دارد که جامعه را شاد و سرزنده و پویا کند.

امروز چرا مردم که در خیابان‌ها عبور می‌کنند سرزنده نیستند. بخشی از ایراد سهم ما معمارها است که بناهایی را اجرا کردیم و کنار هم چیده‌ایم که بی‌هویت هستند. پیام مثبتی را نمی‌دهند، یا هیچ پیامی را نمی‌دهند و شاید دلخوشی این باشد که پیام منفی کمی می‌دهند. و نیز اگر نگاهی به چهره شهرها کنیم، می‌بینیم متوجه می‌شویم که چهره‌شان پرخاشگر است. پس حضور بناهای ما در شهرها تأثیر بر جامعه را حتماً دارند.

مسئولیت اجتماعی یک معمار چگونه تعریف می‌شود؟

معمار وظیفه‌اش نیست که فقط احجام را بسازد، وظیفه‌اش این است که به آن حجم روح نیز دهد و هویت داشته باشد، وظیفه‌اش این است که به آن حجم عملکرد نیز بدهد. پس معمار مجسمه‌ایی را می‌سازد که زیباست، ولی نباید سقف آن چکه کند و باید کاربری‌های داخلی خوب جواب دهد. باید این مجسمه یک پیام مثبتی به جامع بدهد، باید به طریقی به هویت و مکان ارتباط برقرار کند. پس تأثیر اجتماعی بسیار قوی دارد. حالا امیدواریم این تأثیر اجتماعی همیشه مثبت باشد. ولی اگر به بیراهه برود پیام‌های منفی فراوانی دارد.

معمار برای کیست؟ کارفرما، معمار، مردم

معماری برای بهره‌بردار و برای جامعه است. نه فقط برای کارفرما بلکه برای مردم و جامعه، یعنی اگر یک بنایی را من طراحی می‌کنم که داخلش کاربری مسکن دارد فقط برای آن کسانی که داخل آن زندگی می‌کنند نیست، بلکه برای کسانی که از آن محله عبور می‌کنند و ابعاد، اندازه و سیمای آن تأثیرگذار است نیز می‌باشد. پس معماری برای کل جامعه است چون که بناهای که می‌سازیم در مکان‌هایی قرار می‌گیرند که افرادی که از آن بنا استفاده نمی‌کنند آن بناها را می‌بینند و تأثیرگذار است. بله برای افرادی که داخل بنا هم هستند بسیار مهم است.

تأثیر پذیری معماری از هویت ملی و آموزه‌های آئینی گونه است؟

بسیار تأثیرگذار است ولی تکرار آنها بدون شرایط امروزی اشتباه است. یعنی حتماً آموزه‌های دینی و موضوعات هویتی گذاشته را باید بشناسیم و سپس یک برگ امروزی به آن اضافه کنیم. هویت یک روزه شکل نمی‌گیرد، هویت به مرور زمان هویت می‌شود. هویت در مکانی شکل می‌گیرد که جامعه شکل می‌گیرد. بنابراین معمار باید معماری گذشته آن مکان را بشناسد، فرهنگ آنجا را بشناسد و نیاز امروزی جامعه را بداند و سپس قدم بعدی را بردارد، یعنی اگر آن را کورکورانه تکرار کند یک بی‌حرمتی به گذشته است. اگر معماری صفوی را ما امروز تکرار کنیم یک بی‌حرمتی به معماران دوران صفوی کرده‌ایم. آنها توانشان در آن زمان آن بوده، ما باید بتوانیم دوره بعدی را انجام دهیم. ولی اگر هیچ نگاهی به معماری آن دوره‌ها نداشته باشیم، کار اشتباهی است و بیراهه رفتیم و با جامعه ارتباط پیدا نکرده‌ایم.

معماری ایران در نسبت با معماری جهان در چه جایگاهی است؟

معماری ایران در گذشته جایگاه بسیار مهمی را در معماری جهان داشت. در تاریخ معماری جهان می‌بینیم در دو برهه زمانی از معماری ایران صحبت می‌شود. یکی از زمان بین النحرین و هخامنشی که یک معماری بسیار پر عظمت و قوی بوده و یکی دیگر هم در معماری اسلامی. حتی در کتاب‌های تاریخ معماری جهان معماری اسلامی می‌آیند دو بخش می‌کنند. می‌گویند معماری ایرانی اسلامی، بعد از حمله مغول، و قبل از حمله مغول که تأثیر فرهنگ مغول نیز در آن دیده می‌شود.

بنابراین در گذشته فضاها و بناهای بسیار با ارزشی داشتیم که تأثیرگذار بوده‌اند. چه از نظر فن و تکنولوژی و چه از نظر زیبایی و سبک و هویت و بحث‌های معنوی و فرهنگی.

در معماری امروزمان که به نظر من امروز معماری جهانی شده است، یک مقدار آشفته شدیم. یعنی نمی‌دانیم چه کار کنیم و از گذشته خود بعضی وقت‌ها بیزار شدیم. در صورتی که باید آن را بشناسیم ولی تکرارش نکنیم و قدم بعدی را برداریم. از نظر تکنولوژی هم ضعیف شدیم امروزه معماری جهانی شده مصالح جدید گیرمان آمده ولی فن آنرا کامل نیاموخته‌ایم و اگر هم فن را کامل بیاموزیم با اقلیم‌مان هماهنگ نشده‌ایم یعنی مصالح و فن ارتباط با بستر و اقلیم و اجتماع هم دارد. شاید آن مصالح برای آن اقلیم کشور خوب بوده و در حالی که برای اقلیم ما و برای محیط ما جواب نمی‌دهد.

مناسب‌ترین رویکرد و واکنش معماری ایران به جریان‌ها و سبک‌های معاصر جهانی چه می‌تواند باشد؟

امروزه در جهان و جایگاه و سهم معماری ایرانی هستیم. زمانی دور شده بودیم ۱۵ تا ۴۰ سال پیش یک مقدار دور شده بودیم. که همیشه یا اشاره می‌کردیم به معماری گذشته خودمان یا چشم بسته یک نمونه خارجی را انتخاب می‌کردیم و می‌آوردیم و کپی غلطش را در ایران انجام می‌دادیم و کم کم به این نتیجه رسیدیم که ما باید هویت زمانه خودمان را داشته باشیم. از جهان و فن‌آوری آن هم استفاده کنیم و سهم خودمان چه از نظر معماری، چه از نظر سبک، چه از نظر هویت نشان دهیم. که این در جوانان امروزی دیده می‌شود. معماران جوان در این ۱۰ یا ۱۵ سال

گذشته کارهایی را در ایران انجام داده‌اند که نشان داده‌اند ما می‌توانیم جایگاه معماری امروز خود در جهان را داشته باشیم. خیلی کارها به اجرا نرسید ولی صحبت‌ها را کردند که خط خطوط معماری ایرانی با این سرزمین و فرهنگ و اقلیم ارتباط دارد.

معماری چگونه می‌تواند به شرایط اقتصادی جامعه پاسخ دهد و تأثیرگذار باشد؟

معماری اگر ماندگارتر باشد به اقتصاد جامعه پیام بسیار مثبتی داده است. خصوصاً اگر معماری انبوه باشد یعنی مسکن، مسکنی که همه به آن نیاز دارند. اگر آن مسکن پایدار باشد. یعنی عمر مفید بیشتری داشته باشد و ۱۵ سالگی کلنگی نشود. از نظر اقتصاد جامعه بسیار مفید است.

راه‌برون رفت از سوداگری در معماری؟

فقط حرفه‌ای‌ها بیایند در این کار و کسانی که جزء این حرفه نبودند داخل کار طراحی و ساخت و ساز قرار نگیرند. در سه قسمت مدیریت و طراحی و اجرا همان سوگندی که در زمان فارغ التحصیلی یاد کردند که برای جامعه معماری اصول و درست و با هویت را انجام دهند همیشه فراموش نکنند.

در فضای خیال، معماری ایده آل خود را معرفی کنید؟

معماری که در دوران خیال برای خود تصور می‌کنم، آن معماری است که آسایش به وجود آورد. چه برای بهره‌بردار و چه برای شهروندان، چه از نظر دید و منظر، چه از نظر ایمنی و امنیت و چه از نظر آسایش و باعث ناراحتی دیگران نشود. یعنی باعث ناراحتی شهروندان نشود. کسانی که از کنار آن عبور می‌کنند راضی باشند و نهایتاً اینکه خوشحالی من در یک بنای باعث خوشحالی دیگران که در آن بنا نیستند بلکه از کنار آن عبور می‌کنند نیز باشد و نه برعکس.